**بهبودی پس از بیماری**

**بختیاری، پژمان**

بنا را به جمهوریت و خودسری گذارند و در غیاب شاه به حاجی تعرض و اموال و اثاثیهء او را غارت کنند«و بنیان دولت را برجمهور مقرر نمایند.»1

سپهر می‏نویسد:«وزیر مختار از قریهء زرگنده به کمک حاجی رفت تا در سرای او به اعانت‏ او اقدام کند و وقتی به کنار شهر رسید که حاجی میرزا آقاسی یک تیر پرتاب طریق فرار سپرده‏ بود....حاجی در حضرت عبد العظیم خاطری آشفته داشت و اندیشهء وزیر مختار روس و انگلیس‏ را در حق خود مکشوف می‏خواست پس از شاهزاده عبد العظیم مکتوبی به من بنده فرستاد به‏ این شرح،فدای تو کردم،خدای رحمت کند برپدر و مادری که تو را پرورد،که من در تمامت ایران به صدق و صفای تو کس نیافته‏ام و ازاین‏روی این نامه از بهرتو کرده‏ام.

همی خواهم که مکنون خاطر وزیر مختار روس و انگلیس را مکشوف داری و به من فرستی‏ اگر این کار به پای‏بری چنان‏دان گه مرا زنده کرده باشی،من همان‏روز درصدد تحقیق‏ برآمدم و معلوم شد که وزیر مختار روس و انگلیس از حفظ جان و مال او دریغ نه می‏ورزند اما برای ابقای او به منصب صدرات اصراری نخواهند کرد.پس من عریضه‏ای نگاشته به‏ نزدیک او فرستادم و او را آگهی دادم.»2ناتمام

(1)-صدر التواریخ و تاریخ قاجاریه سپهر جلد سوم ص 11

(2)-تاریخ قاجاریه

پژمان

بهبودی پس از بیماری

تو ای آخرین نقش رؤیای من‏ بهشت‏آفرین یار زیبای من‏ بدنیا دگر باره دل بسته‏ام‏ که عشق تو پر کرده دنیای من‏ همه شب از آن گلبن خرّمی‏ پر از گل بود باغ رؤیای من‏ بنازم بدان پیکرآرا که ساخت‏ ترا قالب آرزوهای من‏ نشسته است گوئی ز روز نخست‏ سراپایت اندر سراپای من‏ بچشم من آکنده از دلبریست‏ جهان با تو ای عالم آرای من‏ ز امروز و فردای خود فارغم‏ که با تست امروز و فردای من